

لنخ کو چسند

زندگی نامه و خاطرات شهید علی قمی کردی

حسین قرائی



www.ketab.ir

زمان بادی است که می‌وزد: هم هست، هم نیست.
آنان را که ریشه در خاک استوار دارند از طوفان هراسی
نیست. جنگ می‌آمد تا
مردان مرد را بیازماید. جنگ آمده بود
تا از خرمشهر دروازه‌ای به کربلا باز شود.

□

شهادت پایان نیست، آغاز است: تولدی دیگر است در
جهانی فراتر از آن که عقل زمینی
به ساحت قدس آن راه یابد.
تولد ستاره‌ای است که پرتو نورش عرصه‌ی زمان را
درمی‌نوردد و زمین را به نور
ربّ الارباب اشراق می‌بخشد.
«سید شهیدان اهل قلم، مرتضی‌آوینی»

کردستان، لایزالوار توطئه‌گران ضدانقلاب بود. که
سرنوشت انقلاب را به محک امتحان گذاشته بودند و اگر در
کردستان، امیرالیم و طاغوت و عمال داخلی آن‌ها پیروز
می‌شدند، مسلماً نظیر همان برنامه‌ی شوم را در خوزستان،
گنبد، آذربایجان، بلوچستان و... پیاده می‌کردند تا انقلاب
اسلامی ما را به طور کلی نابود کنند.
بنابراین سقوط کردستان فقط متضمن تجزیه‌ی یک
منطقه از خاک وطن نبود، بلکه معادل نابودی انقلاب و
استقلال ایران بود.

«شهید دکتر مصطفی چمران»

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
۱۷	سال شمار زندگی شهید علی قمی کردی
۱۹	قمی در قاف
۲۳	تولد علی
۲۴	کتانی
۲۵	ما با خمینی هستیم
۲۶	مثل جوان های آن موقع تیپ می زد
۲۷	اعلامیه های امام
۲۸	شاگرد شجاع
۲۹	اولین جراحی
۳۰	اولین گلوله
۳۱	نماز شب
۳۲	کتابخوانی
۳۳	امر به معروف و نهی از منکر

کوچ بخشنده

- ۳۴.....ضریح دست امام
- ۳۵.....خطبه‌ی عقد
- ۳۶.....گل داماد
- ۳۷.....مجروح
- ۳۸.....دعای کمیل
- ۳۹.....مشهد
- ۴۱.....حقوقش را قطع می‌کنند
- ۴۲.....مربی توانمند پادگان
- ۴۳.....دعای توسل
- ۴۴.....مربی آموزشی
- ۴۵.....مراسم‌هایمان ساده بود
- ۴۶.....تعجب دکترا
- ۴۷.....رفتیم کردستان
- ۴۹.....لباس سبز سپاه
- ۵۰.....به فکر نیروها بود
- ۵۱.....بچه‌ها را کول می‌کرد
- ۵۲.....مربی آموزش
- ۵۳.....من پیش مرگ شما هستم
- ۵۴.....مقاومت فایده‌ای ندارد
- ۵۵.....شکارچی ماهر
- ۵۶.....شیر کردستان
- ۵۷.....بیمارستان را می‌بندم به رنگبار

کوچ بخزند

- ۵۸..... رخسار پوست پوست
 ۵۹..... سرنیزه‌ی علی قمی
 ۶۰..... نیروها به مرخصی نرفتند
 ۶۱..... بیشتر نیروها را به اسم کوچک می‌شناخت
 ۶۲..... تشکیلاتی بود
 ۶۳..... سوار بر توپوتا
 ۶۵..... آرپی جی را آماده کن
 ۶۶..... محافظ قمی
 ۶۹..... برادر قمی کیست؟
 ۷۱..... ستون کشی
 ۷۳..... اندکی بایستید
 ۷۴..... پتو
 ۷۵..... اسب
 ۷۶..... اسب‌های غنیمتی
 ۷۷..... سرماخوردگی
 ۷۸..... مداح اهل بیت (علیهم‌السلام)
 ۷۹..... علی‌اصغر حسین (ع)
 ۸۰..... بی‌سیم‌چی
 ۸۱..... جدول
 ۸۲..... عملیات را ماهرانه طراحی می‌کرد
 ۸۳..... ای کاش در کربلا بودم
 ۸۵..... در کنکور شرکت نکردم

کوچ‌نویس

۸۷	اندیشه‌ی خدایی
۸۸	ما می‌توانیم
۹۰	مدیریت بیایی
۹۱	دیدار با آفتاب
۹۳	کیسه خواب
۹۵	زیلو
۹۶	مرد میدان
۹۸	الله اکبر سردهید
۱۰۲	علی قمی
۱۰۳	چاقو
۱۰۵	ارتفاعات اشوزنگ
۱۰۶	ضدانقلاب زیر پای ماست
۱۰۸	استاد علی قمی
۱۱۰	سخن محمدی
۱۱۲	آدم برفی
۱۱۳	لباس کردی
۱۱۵	مسجد
۱۱۶	بنزین
۱۱۸	فرمانده ۲۳ ساله
۱۱۹	ذکاوت قمی
۱۲۰	رزمنده‌ی معمولی
۱۲۲	جانشین گروهان!

کتابخانه

۱۲۳.....	لحن اثرگذار
۱۲۴.....	مربی عقیدتی
۱۲۵.....	معلم اخلاق
۱۲۶.....	در ارتقاعی بلندتر از ما
۱۲۸.....	جگر کی
۱۲۹.....	نقشه
۱۳۰.....	مداح
۱۳۱.....	مسواک
۱۳۲.....	چرا از داخل شیلر نرویم؟
۱۳۵.....	هنگ آباد
۱۳۶.....	نان و ماست
۱۳۸.....	باید قدر این عزت را بدانیم
۱۳۹.....	دیار مظلومان
۱۴۰.....	هلی کوپتر
۱۴۲.....	مرید و مراد
۱۴۳.....	محمد بروجردی
۱۴۴.....	شهادت بروجردی
۱۴۵.....	بیش از هشتاد عملیات در کردستان
۱۴۶.....	کشف علی قمی
۱۴۷.....	قمی و کاوه با هم تعریف می شدند
۱۴۸.....	مواضع قمی و کاوه در جلسات یکی بود
۱۴۹.....	نگذاشت کاوه با ما بیاید

۱۵۰		بهترین نویسنده
۱۵۱		صیاد شیرازی به کاوه و قمی عشق می‌ورزید
۱۵۲		برای شهید شدنم دعا کن
۱۵۳		خندید و رفت
۱۵۴		آماده‌ی شهادت
۱۵۶		سه راهی نقده
۱۵۷		علی آقا شهید شد
۱۵۸		پیام صیاد
۱۶۰		علی قمی را در مشهد شناختیم
۱۶۱		کاوه صورت قمی را ببوسید
۱۶۲		انتقام خون قمی
۱۶۳		مانور
۱۶۴		قمی به دیدار خدا رفت
۱۶۶		تشییع باشکوه
۱۶۷		قرار نبود تنها بروی برادر ^{۱۴}
۱۶۸		سبزی کاری
۱۶۹		دوستان وفادار
۱۷۱		آمیولانس
۱۷۳		شناسنامه‌ی یک ملت
۱۷۴		وصیت‌نامه
۱۷۶		تساویر و ضامم

کوچ بخشنده